

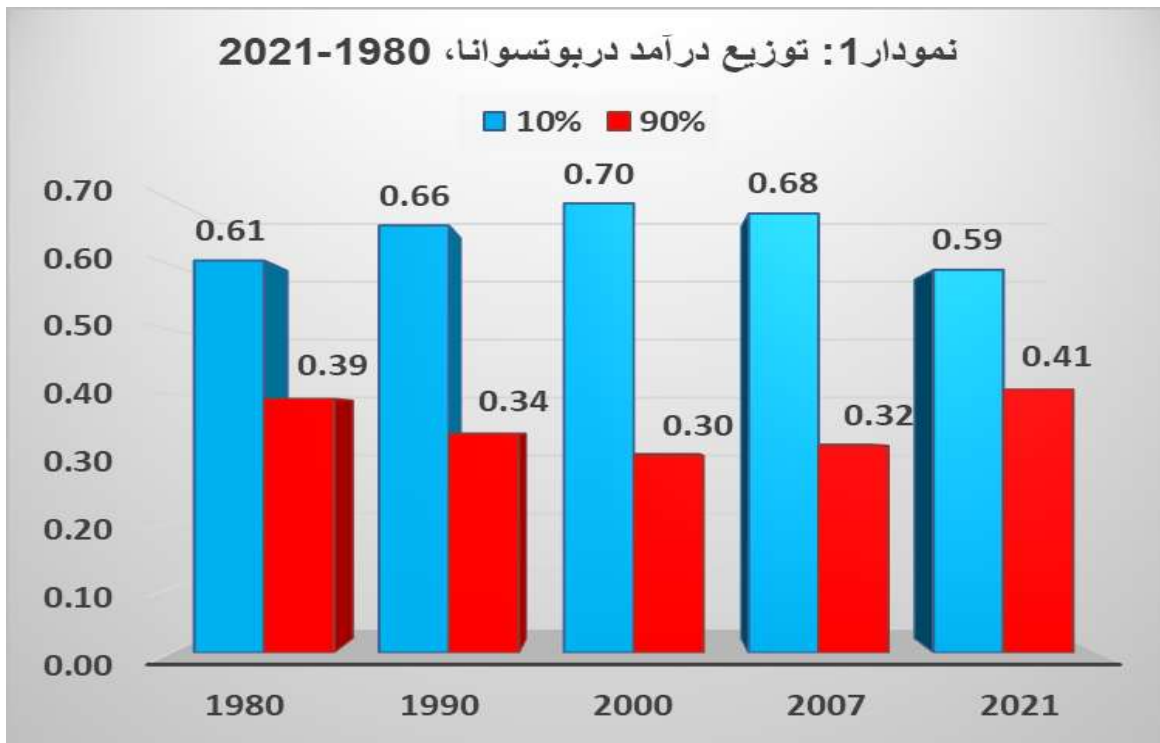
توزیع درآمد در بوتسوانا

بوتسوانا کشور به نسبت کوچکی در منطقه جنوبی آفریقا است که به دریا هم دسترسی ندارد. از جنوب و شرق با آفریقای جنوبی همسایه است و در غرب اش هم نامیبیا را داریم. بخش عمده ای از این کشور را صحرای کلاهای تشکیل می دهد. آب و هوا بوتسوانا خشک و کم باران است و به همین خاطر در بسیاری از موارد همین که باران می بارد به صورت سیل در می آید. در سالهای اخیر یکی از مشکلات بوتسوانا گسترش بیماری ایدز بود در مقطعی گفته می شد از هر سه تن یک تن در بوتسوانا به بیماری ایدز مبتلا بود. از سال ۱۹۶۶ که استقلال سیاسی اش را به دست آورد بوتسوانا یک نظام حکومتی پارلمانی داشته است. هر ۵ سال انتخابات پارلمان برگزار می شود و نمایندگان انتخاب شده هم رئیس جمهور را انتخاب می کنند. هر رئیس جمهور می تواند تنها برای ۱۰ سال در این مقام بماند- یعنی دو دوره. یک سال پس از کسب استقلال سیاسی یک معدن بزرگ الماس در بوتسوانا کشف شد و برآورد می شود که درآمد کشور از الماس بطور متوسط سالی یک میلیارد دلار است و به همین خاطر در این سالها رشد اقتصادی در بوتسوانا به خاطر درآمدهای ناشی از بخش الماس قابل توجه بود. بانک جهانی جمعیت این کشور را در ۲۰۲۲ حدودا ۲/۵ میلیون نفر برآورد کرده است. پایتخت بوتسوانا هم شهر گابورونه است. برآوردهای دیگر بانک جهانی درباره بوتسوانا هم جالب و هم حیرت انگیزند. اگرچه گفته می شود که بوتسوانا دیگر در میان کشورهای ثروتمندی است که متوسط درآمدشان متوسط رو به بالاست ولی در عین حال خیرمی دهده که در ۲۰۲۲ میزان بیکاری در بوتسوانا ۲۵/۴٪ بود که به نسبت نرخ بالائی است. برای سال ۲۰۲۲ پیش بینی بانک جهانی این است که اقتصاد بوتسوانا ۶/۵٪ رشد خواهد داشت ولی برای سال بعد انتظار می رود میزان رشد اندکی کاهش یافته به ۴٪ برسد^۱.

هرچه که میزان رشد اقتصادی باشد پرسش اساسی این است که آیا رشد اقتصادی در بوتسوانا رشدی فراگیرنده بوده است یا این که همانند دیگر جوامع سرمایه داری، رشدی است که به نفع اقلیتی به نسبت محدود سازمان دهی می شود. برای پاسخ گوئی به این پرسش یک بار دیگر به بانک های آماری مراجعه کردیم و از یک طرف آمار تولید ناخالص داخلی و جمعیت را از سایت بانک جهانی دانلود کردیم و سپس از بانک اطلاعاتی نابرابری جهانی هم برآورد سهم بری گروه های مختلف از درآمد ملی برای این دوره یعنی از ۱۹۸۰ تا ۲۰۲۱ را به دست آوردیم. به عنوان مثال از ارقام بانک جهانی می دانیم که تولید ناخالص داخلی بوتسوانا در فاصله ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰ حدودا ۵ برابر رشد کرد و به همین نحو وقتی به ۲۰۲۱ می رسیم مشاهده می کنیم که اندازه کیک ملی تولید ناخالص داخلی بوتسوانا در مقایسه با سال ۲۰۰۰ حدودا ۲ برابر شده است بطور کلی در فاصله این ۴۰ سال شاهدیم که اندازه اقتصاد بوتسوانا حدودا ۹ برابر بزرگتر شده است. این واقعیت دارد که جمعیت کشور هم در این ۴۰ سال بیش از دو برابر شد ولی پرسش این است که برسر توزیع درآمد در این کشور به نسبت کم جمعیت آفریقائی چه آمده است؟ ابتدا وضع ده درصدی های ثروتمند را با ۹۰ درصد بعدی جمعیت مقایسه می کنیم. در نمودار ۱ میزان سهم بری این دو گروه را به دست داده ام. متاسفانه آمارهای قابل اعتماد نداریم که بتوانیم از زمان به دست آوردن استقلال سیاسی در ۱۹۶۶ سخن بگوئیم

¹ [Botswana Overview: Development news, research, data | World Bank](#)

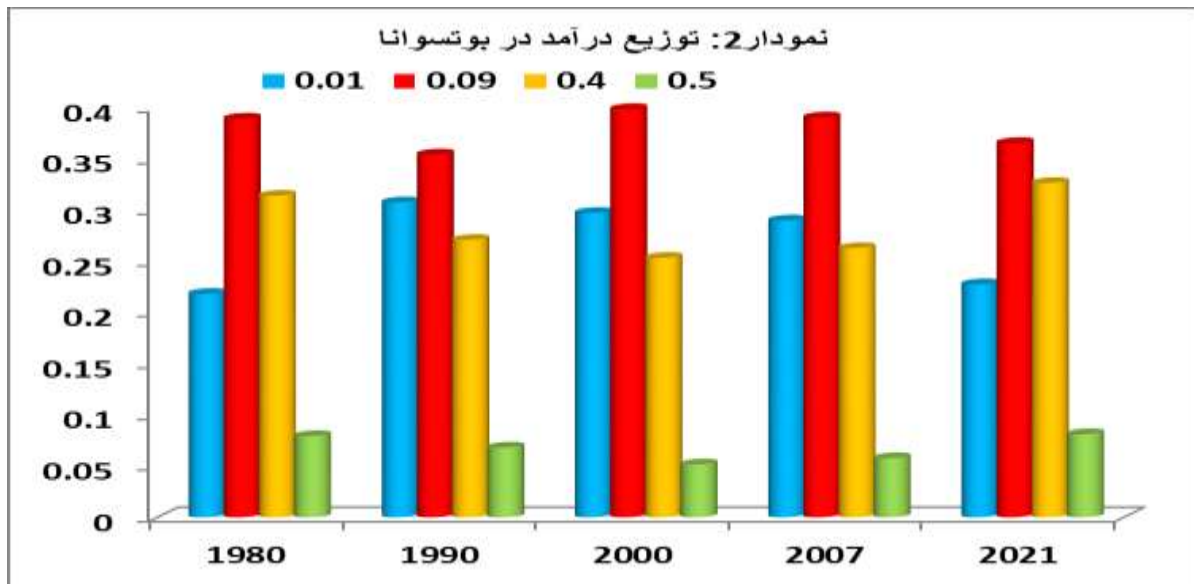
و به ناچار سال ۱۹۸۰ را به عنوان سال پایه در نظر گرفته ایم. همان طور که در نمودار مشاهده می کنیم در همه این سالها آن چه از اقتصاد بوتسوانا نصیب ده درصدی های ثروتمند می شده است به مراتب از سهمی که ۹۰ درصد جمعیت داشتند بیشتر بود و حتی مشاهده می کنیم که ناگوارترین وضعیت هم در سال ۲۰۰۰ وجود داشت که سهم ده درصدی های ثروتمند حدوداً ۲/۵ برابر سهم ۹۰ درصد بقیه جمعیت بود. ناگفته روشن است که این گونه سهم بری درعمل به این معناست که متوسط درآمد ۱۰ درصدی های ثروتمند درطول این سالها حداقل ۱۳ برابر و حداکثر هم ۲۱ برابر متوسط درآمد ۹۰ درصدی ها بود.



آن چه در این جا شاهدیم این که ده درصدی های ثروتمند که در ۱۹۸۰ اندکی بیش از ۶۰ درصد از درآمد ملی را در تملک خود دارند وقتی به ۲۰۰۰ می رسیم سهم شان از درآمد ملی به مراتب بیشتر شده و ۷۰ درصد است. حتی در سال ۲۰۲۱ هم مشاهده می کنیم که با اندکی افت و خیز بوتسوانا به حالتی که در سال ۱۹۸۰ وجود داشت بازگشته است یعنی از هر ۵ دلار درآمد ملی، ۲ دلار بین ۹۰ درصد جمعیت توزیع می شود در حالی که سهم ۱۰ درصد جمعیت- یعنی ۹ برابر کمتر شهروند- ۳ دلار است. البته در میان ده درصدی ها وضع یک درصدی های ثروتمند با ۹ درصد بعدی اندکی تفاوت دارد و به همین نحو بین ۹۰ درصدی ها هم ۴۰ درصدی های میانه و ۵۰ درصدی های فقیر قابل تفکیک اند. برای این که وضعیت این گروه های محدود تر را بهتر بررسی کنیم خلاصه ای توزیع درآمد را به دست می دهیم.

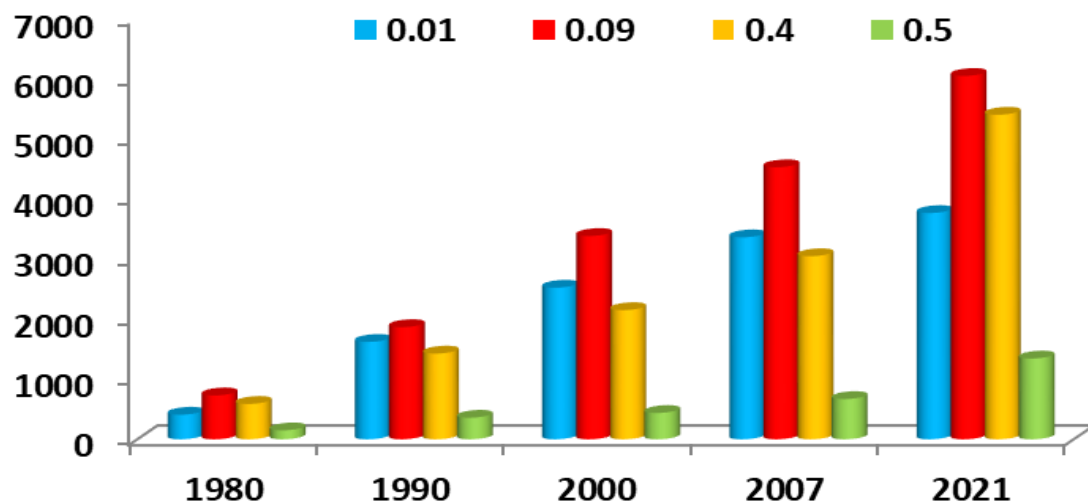
یکی از شواهد وجود نابرابری ساختاری در بوتسوانا این که در این ۴۰ سال هیچ گاه سهم ۵۰ درصدی های فقیر جامعه از درآمد ملی حتی به ده درصد درآمد ملی هم نمی رسید و از سوی دیگر سهم یک درصدی های ثروتمند هم هیچ گاه از ۲۰ درصد درآمد ملی کشور کمتر نبود. از همین رو متوسط درآمد یک درصدی ها که در سال ۱۹۸۰ بیش از ۱۳۷ برابر متوسط درآمد ۵۰ درصدی های فقیر بود در سال ۱۹۹۳ به بیش از ۲۹۳ برابر رسید و سرانجام در سال ۲۰۲۱ به ۱۴۰ برابر کاهش یافت. اگرچه در

مقایسه با سال ۱۹۹۳ شاهد اندکی بهبود در توزیع درآمد هستیم ولی درمقایسه با سال ۱۹۸۰ وضعیت بهبودی نشان نمی دهد.

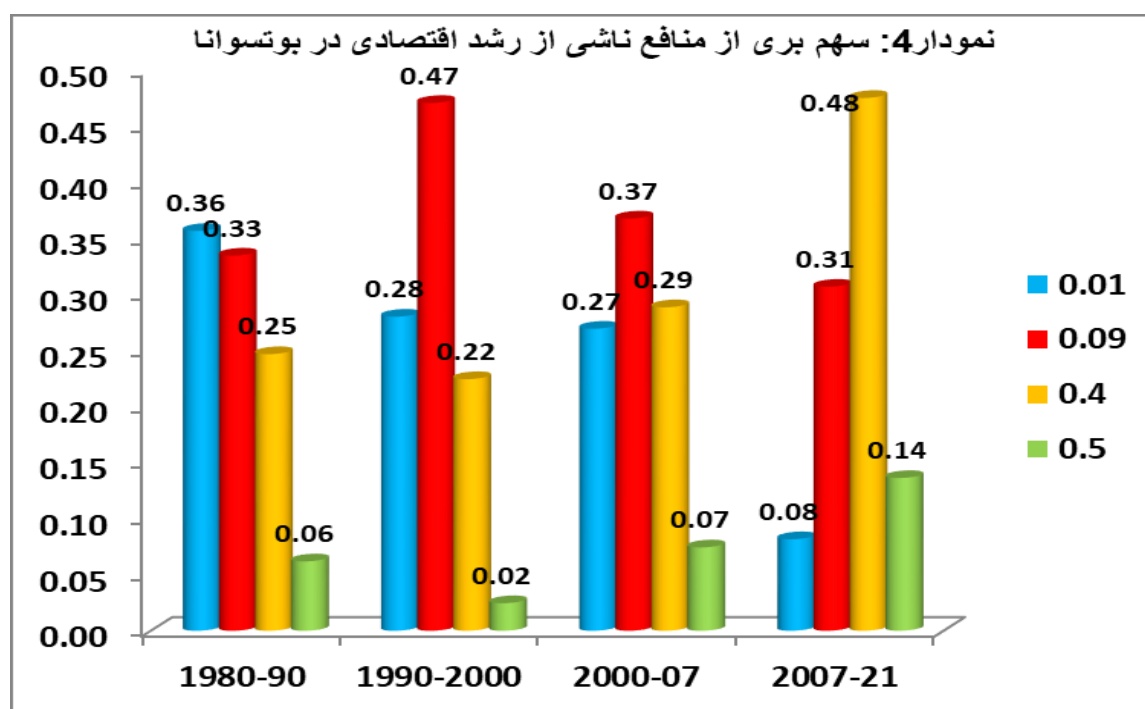


این توزیع درصدی درآمد وقتی به صورت دلار در می آید چه می شود؟ در همه این سالها آن چه که نصیب یک درصدی ها می شود به مراتب از دلارهایی که بین ۵۰ درصد فقیر جمعیت توزیع می شود بیشتر است. در ۱۹۸۰ این نسبت، ۳ به یک است یعنی سهم یک درصدی ها از درآمد بوتسوانا در این سال ۳ برابر سهمی که نصیب ۵۰ درصد فقیرتر جمعیت می شود. این نسبت حتی در سال ۲۰۰۰ دو برابر می شود یعنی درمقابل اندکی بیشتر از ۴۳۸ میلیون دلار که کل سهم ۵۰ درصدی های فقیر است یک درصدی ها در این سال بیش از ۲/۵ میلیارد دلار از درآمد ملی کشور را در اختیار دارند. البته در ۲۰۲۱ این نسبت به همان وضعیتی که در ۱۹۸۰ وجود داشت بر می گردد، یعنی یک درصدی ها سهم شان از درآمد ملی کشور ۳ برابر سهمی است که نصیب ۵۰ درصدی های فقیر می شود. در نمودار ۲ توزیع دلاری درآمد ملی را به دست داده ام.

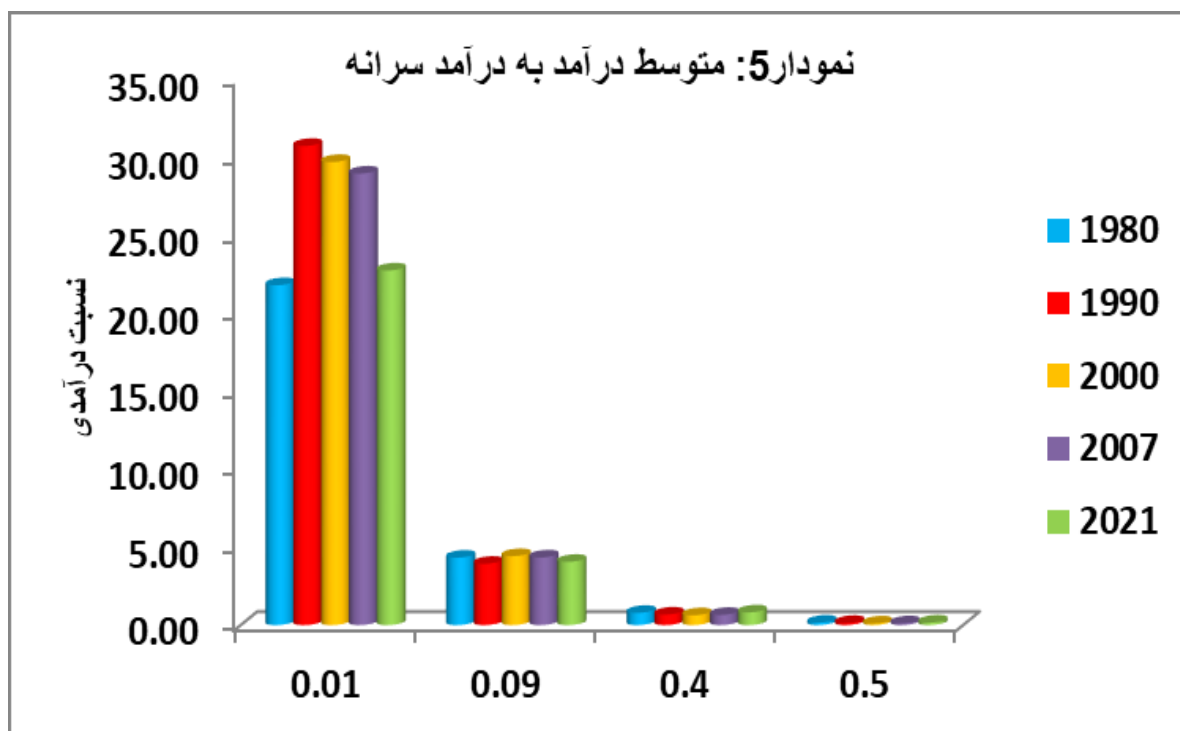
نمودار 3: توزیع درآمد در بوتسوانا (به میلیون دلار)



شواهد آماری ما نشان می دهد که اقتصاد بوتسوانا در طول این ۴۰ سال از رشد قابل توجهی برخوردار بود. از کمتر از ۲ میلیارد دلار در ۱۹۸۰ در سال ۲۰۰۰ به ۸,۵ میلیارد دلار رسید و در ۲۰۲۱ هم از ۱۶,۵ میلیارد دلار فزونی گرفت. پرسش ما در این قسمت این است که این گروه های درصدی به چه صورتی از این منافع ناشی از رشد- در واقع از ارزش اضافی تولید شده- بهره مند شده اند؟ به سخن دیگر نرخ بهره مندی از این منافع بیشتر به چه شکل و صورتی متحول شده است. آن چه در نمودار ۴



اولین نکته ای که باید به آن توجه کنیم این که به غیر از سالهای پس از بحران مالی جهانی، در همه سالها بهره مندی ۵۰ درصدی های فقیر از منافع ناشی از رشد اقتصادی از دیگر گروه ها کمتر بوده است. به عنوان نمونه در فاصله ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ از رشد اقتصادی که در بوتسوانا اتفاق افتاد، حدوداً ۷۰٪ نصیب ده درصدی ها شد و سهم ۴۰ درصدی های میانه هم ۲۵٪ بود و همان طور که مشاهده می کنیم سهم ۵۰ درصدی های فقیر هم تنها ۶ درصد بود. ولی ده سال بعد، یعنی در سال ۲۰۰۰ وقتی به رشد اقتصادی از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ نگاه می کنیم مشاهده می کنیم که توزیع این منافع اندکی تغییر کرده است ولی نه به نفع ۵۰ درصدی های فقیر. سهم بری یک درصدی ها اگرچه هنوز قابل توجه است یعنی از ۲۸٪ منافع ناشی از رشد بهره مند می شوند ولی در مقایسه به دوره قبل سهم شان اندکی کاهش یافته است. برعکس ۱ درصدی ها ۹ درصدی های بعد سهمشان از منافع ناشی از رشد اقتصادی را بیشتر کرده اند و در واقع ۴۷٪ منافع ناشی از رشد نصیب آنها شده است. ۴۰ درصدی های میانه هم ۲۲ درصد از منافع ناشی از رشد را به دست آورده اند و سهم ۵۰ درصدی های فقیر که در سال ۱۹۹۰ حدوداً ۶٪ منافع ناشی از رشد بود به ۲٪ کاهش یافت. تا یک سال پیش از بحران بزرگ مالی جهانی، ۹ درصدی ها هم چنان بزرگترین بهره مندان منافع ناشی از رشد اقتصادی هستند و سهم شان ۳۷ درصد است در مقام بعدی هم ۴۰ درصدی های میانه قرار دارند که ۲۹٪ منافع ناشی از رشد را به دست آورده اند و یک درصدی ها که هم چنان ۲۷ درصد از منافع ناشی از رشد را به جیب می زنند. سهم ۵۰ درصدی های فقیر با اندکی بهبود در مقایسه با سال ۲۰۰۰ به ۷٪ منافع ناشی از رشد افزایش می یابد. و سرانجام در سالهای پس از بحران مالی جهانی، ۹ درصدی ها و ۴۰ درصدی های میانه هم چنان بخش اعظم منافع ناشی از رشد اقتصادی را تصاحب می کنند و سهم ۱ درصدی ها به کمترین میزان در این ۴۰ سال می رسد یعنی تنها ۸٪ منافع ناشی از رشد را شامل می شود و سهم ۵۰ درصدی های فقیر هم با اندکی بهبود به ۱۴٪ منافع ناشی از رشد اقتصادی افزایش می یابد. برای این چند سال آخر اگر بخواهم اقتصاد دوشقه را در بوتسوانا در نظر بگیرم با وضع جالبی روبرو هستیم که ۵۰ درصد ثروتمند بوتسوانا حدوداً ۸۴٪ از منافع ناشی از رشد اقتصادی را تصاحب کرده اند و سهم ۵۰ درصدی های فقیر هم تنها ۱۴٪ باقی مانده بود. پیشتر اشاره کردم که بانک جهانی بوتسوانا را کشوری با درآمد متوسط روبه بالا خصلت بندی کرده است. بی گمان وقتی به درآمد سرانه بوتسوانا نگاه می کنیم این ادعا به نظر « معقول » می آید ولی مشکل در اینجاست که درآمد سرانه مشکلات مربوط به توزیع درآمد را نادیده می گیرد. در بررسی مان از این تحولات در بوتسوانا به این نتیجه رسیده ایم که در سال ۱۹۸۰ که درآمد سرانه کشور حدوداً ۲۰۰۰ دلار بود ولی متوسط درآمد ۹۰ درصد جمعیت از این درآمد سرانه به مراتب کمتر بود. در این سال متوسط درآمد ۵۰ درصدی های فقیر تنها ۱۶ درصد درآمد سرانه کشور بود. شکاف بین درآمد سرانه و متوسط درآمد ۴۰ درصدی های میانه از این بسیار کمتر بود ولی واقعیت این که متوسط درآمد ۴۰ درصدی های میانه از درآمد سرانه کمتر بود. برای همه این سالها، تا ۲۰۲۱ شواهد ما همین وضعیت را نشان می دهد یعنی وقتی درآمد سرانه را با متوسط درآمدهای مقایسه می کنیم مشاهده می کنیم که به عنوان مثال متوسط درآمد ۱ درصدی ها در سال ۲۰۰۰ حدوداً ۳۰ برابر درآمد سرانه کشور است ولی متوسط درآمد ۹۰ درصد جمعیت از درآمد سرانه کمتر است. بطور کلی این وضعیت را در نمودار ۵ نشان می دهیم.



اگرچه ممکن است سرمایه داری به عنوان یک نظام اقتصادی در بوتسوانا هنوز پیشرفته و قوام یافته نشده باشد ولی واقعیت دارد که همانند دیگر اقتصادهای سرمایه داری بوتسوانا هم مشکل یک درصدی ها را دارد که به حیل مختلف امکانات اقتصادی را قبضه کرده اند و سهم قابل توجهی از منافع ناشی از رشد اقتصادی را به جیب می زنند ولی باید اضافه کنم که نمی توان و نباید مشکل را تنها در حوزه زیادی طلبی ۱ درصدی ها خلاصه کرد. بررسی ما نشان می دهد که نه فقط شکاف درآمدی بین متوسط درآمد ۱ درصدی ها و بقیه در طول این ۴۰ سال افزایش یافته و بیشتر شده است بلکه شاهدیم که شکاف درآمد درمیان همه اقشار جمعیتی افزایش یافته است. در نمودار بعدی خلاصه ای ۶ شکاف درآمدی را نشان می دهیم.

۱-۹٪ شکاف درآمدی بین متوسط درآمد ۱ درصدی ها و ۹ درصدی ها

۱-۴۰٪ شکاف درآمدی بین متوسط درآمد ۱ درصدی ها و ۴۰ درصدی های میانه.

۱-۵۰٪ شکاف درآمدی بین متوسط درآمد ۱ درصدی ها و ۵۰ درصدی های فقیر

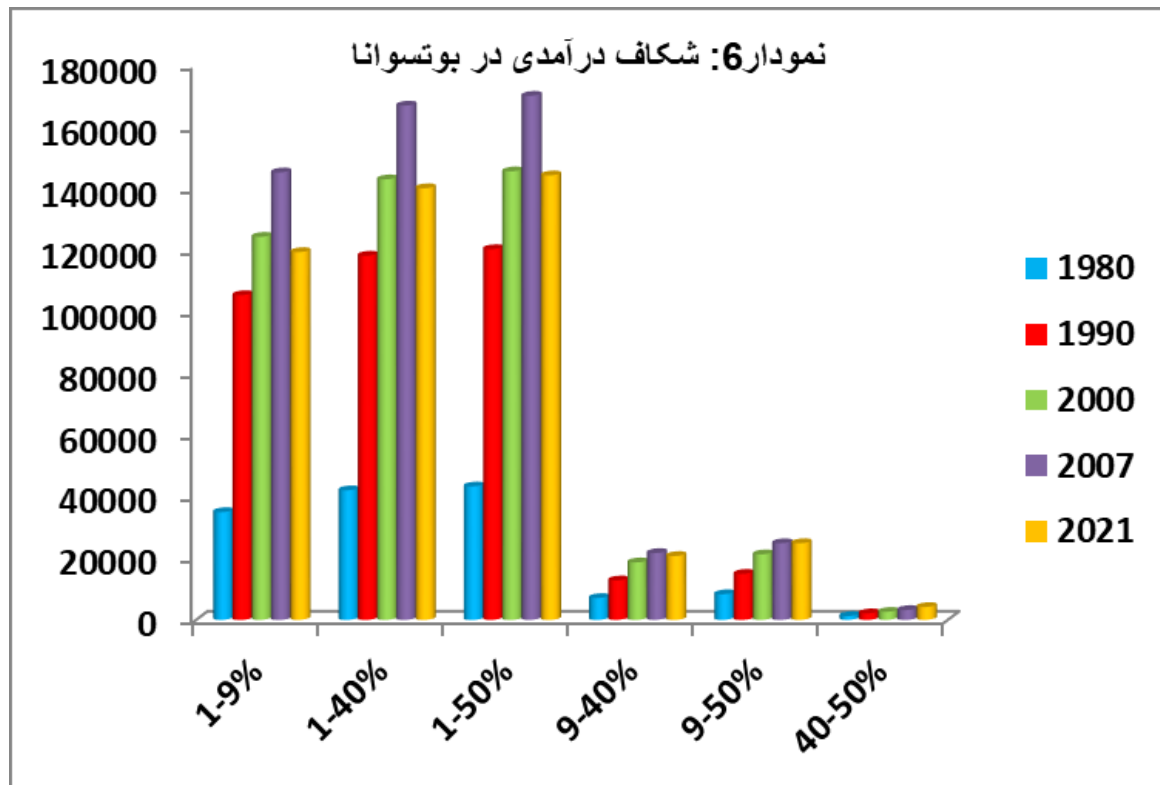
۹-۴۰٪ شکاف درآمدی بین متوسط درآمد ۹ درصدی ها و ۴۰ درصدی های میانه

۹-۵۰٪ شکاف درآمدی بین متوسط درآمد ۹ درصدی ها و ۵۰ درصدی های فقیر

۴۰-۵۰٪ شکاف درآمدی بین متوسط درآمد ۴۰ درصدی های میانه و ۵۰ درصدی های فقیر

ناگفته روشن است که این ۶ شکاف درآمدی تصویر به مراتب جالبی از توزیع درآمد و چگونگی تحول آن در گذر زمان به دست می دهد. این شکاف ها را در ۵ تاریخ متفاوت اندازه گیری کرده و در نمودار ۶ ارائه می کنیم. همان طور که قابل رویت است شکاف درآمدی بین متوسط درآمد یک درصدی ها و بقیه جمعیت به مراتب بزرگتر و قابل توجه تر از دیگر شکاف های درآمدی است که در یک اقتصاد نمونه

وار سرمایه داری شاهدیم. شکاف عمده دیگر شکاف درآمدی بین متوسط درآمد ۹ درصدی ها و ۴۰ درصدی های میانه و ۵۰ درصدی های فقیر است که در همه این سالها روند افزایشی داشته و از آن چه در سال ۱۹۸۰ بود به مراتب بیشتر شده است. درباره شکاف درآمدی بین متوسط درآمد یک درصدی ها و بقیه هم تا وقوع بحران بزرگ مالی جهانی این شکاف روند افزایشی داشته و بعد در سال ۲۰۲۱ درمقایسه با وضعیت در سال ۲۰۰۷ اندکی کمتر شده است. بعید نیست دلیل اصلی اش این بوده باشد که یک درصدی ها بیشتر از گروه های دیگر از پی آمدهای بحران بزرگ مالی متاثر شده باشند.



حالا که شماری از آمارها را مرور کرده ایم در باره گستردگی فقر در بوتسوانا چه می توان گفت؟ اولاً به مقدار زیادی بستگی دارد که خط فقر را چگونه تعریف کنیم. واقعیت این که همانند بسیاری از کشورهای مشابه بوتسوانا کشور فقیری نیست ولی نکته این است که به نظر می رسد منابع اش آن گونه که سزاوار است بین شهروندان توزیع نمی شود. در این جا^۲ خطر فقر را ۵/۵ دلار در روز تعریف می کنند بعد ادامه می دهد که در سال ۲۰۱۵ میزان فقر در بوتسوانا ۶۳/۵٪ بود که نسبت به سال ۲۰۰۹ بیش از ۲/۱٪ افزایش نشان می دهد. از سوی دیگر گاه از آن به عنوان « سوئیس افریقائی» نام می برند ولی در عین حال میزان بیکاری در آن اندکی زیادی زیاد است و بعلاوه یکی از نابرابرترین کشورهای جهان است که گوشه ای از این مشکل را در صفحات پیشین وارسیدیم. در این جا^۳ می دانم

^۲ <https://www.macrotrends.net/countries/BWA/botswana/poverty-rate>

^۳ <https://www.sundaystandard.info/botswanas-poverty-rate-is-hovering-beyond-60-percent-afdb/>

که وجه مشترک بین بوتسوانا و ماداگاسکار و زیمبابوه این است که میزان فقردر آنها از کشورهای مشابه بیشتر است. اشاره کنم اگر تعریف بانک جهانی را بپذیریم که خط فقر بین المللی را $2/15$ \$ در روز تعریف می کند میزان فقر در بوتسوانا $15/4\%$ می شود ولی اگر با توجه به سطح متوسط درآمد در بوتسوانا خط فقر را متناسب با این سطح درآمد تعریف کنیم، که بانک جهانی آن را $6/85$ \$ در روز می داند در آن صورت با تصویر متفاوتی روبرو می شویم. با این تعریف از خط فقر، میزان فقر در بوتسوانا $63/5\%$ می شود. اگرچه سیاست پردازی دولت در حوزه های مالی و مالیاتی می تواند به کاهش نابرابری درآمدی مساعدت کند ولی در قدم اول، عمده ترین وسیله برای کاستن از نابرابری ایجاد مشاغل مناسب است. در این حوزه وضع در بوتسوانا به شدت ناامید کننده است و میزان بیکاری در آن در 2021 را بیشتر از $25/4\%$ برآورد شده است. نکته دیگر درباره میزان بیکاری در بوتسوانا این است که بیکاری در میان جوانان زیاد است. اگر با استفاده از تعریف خط فقر بانک جهانی برای کشورهای با درآمد متوسط رو به بالا بخواهیم فقر در بوتسوانا را بررسی کنیم وضع به واقع اسفناک است. یعنی آمارهای ما هم وجود این میزان از فقر را در بوتسوانا تأیید می کند. متوسط درآمد 50% درصدی های فقیر در سال 2021 روزی کمتر از 3 دلار بود. ممکن است بتوان با اندکی تسامح بوتسوانا را « سوئیس افریقا» نامید ولی تردیدی نیست که نه میزان بیکاری در آن و نه میزان نابرابری درآمدی موجود با شبیه سوئیس بودن بوتسوانا هم خوان است.